

تعیین نرخ مطلوب مالیات بر عایدی در بازار دارایی‌ها

پرویز داوودی،* حسین صمصامی** و محمدرضا سزاوار***

| | | | |
|-------------------|--------------------------|-------------------------|------------------|
| نوع مقاله: پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶ | شماره صفحه: ۵-۲۸ |
|-------------------|--------------------------|-------------------------|------------------|

وضع مالیات بر عایدی سرمایه به خصوص در عرصه بازار دارایی‌هایی مانند ارز، طلا، سهام و مسکن می‌تواند راهکار مناسبی برای مواجهه با نوسان‌ها و کاهش سودآوری در این بازارها باشد. با این حال اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر از ظرفیت مالیات بر عایدی سرمایه استفاده نکرده است که این موضوع همراه با افزایش در حجم نقدینگی و نبود فضای کسب‌وکار مناسب، موجب افزایش انگیزه برای فعالیت‌های سوداگرانه در بازارهای مذکور شده است. هدف از مقاله حاضر بررسی اثر عایدی دارایی‌های ارز، طلا، سهام و مسکن بر رشد تولید ناخالص داخلی، رشد سرمایه‌گذاری در کشور و در نهایت تعیین نرخ مطلوب مالیات بر دارایی‌های گفته شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد بیشترین نرخ مطلوب مالیات بر مبنای تابع تولید ناخالص داخلی، مربوط به دارایی طلا به میزان ۹۲/۳ درصد و بر مبنای تابع سرمایه‌گذاری مربوط به دارایی ارز به میزان ۹۳/۲ درصد است. کمترین نرخ مطلوب مالیات نیز در هر دو تابع تولید و سرمایه‌گذاری مربوط به دارایی مسکن به ترتیب معادل ۶۹/۲ و ۵۲/۱ درصد است.

کلیدواژه‌ها: مالیات بر عایدی؛ نرخ مطلوب مالیات؛ اقتصاد ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* استاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: p_davoodi@sbu.ac.ir

** استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛

Email: h-samsami@sbu.ac.ir

*** دانش‌آموخته اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛

Email: mr.sezavar@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی‌ام، شماره یکصد و سیزدهم، بهار ۱۴۰۲

doi: 10.22034/MR-2107-4704

مقدمه

در ادبیات متعارف اقتصادی، کسب سود در کسب و کار به عنوان یکی از عوامل انگیزش در زمینه تحرک فعالیت‌ها به حساب می‌آید، به نحوی که صاحبان مشاغل با مشاهده سود در فعالیتی که دارند، انگیزه بیشتری به دست می‌آورند. نکته مهم آن است که به هنگام بروز سودهای قابل توجه در یک حوزه کاری، فعالین سایر مشاغل نیز انگیزه حضور در آن کسب و کار را پیدا می‌کنند و با توجه به محدودیتی که در منابع وجود دارد، این کار به معنای حرکت منابع از یک فعالیت به فعالیت دیگری است. گفتنی است که این پدیده در امور نامولد سریع تر رخ می‌دهد و در امور مولد با سرمایه‌گذاری‌های اولیه بالا، در مدت زمان طولانی‌تری حادث می‌شود. بنابراین آنچه که در این مورد نگران‌کننده است، بروز سودهای قابل توجه و نامتعارف در امور نامولد است، به گونه‌ای که موجب می‌شود تا منابع مالی و انسانی برای برهه‌ای از سمت فعالیت‌های مولد به سمت فعالیت‌های سوداگرایانه حرکت کند و در نهایت آسیب به سطح حقیقی تولیدات در اقتصاد را به همراه آورد. ملاحظه در وضعیت اقتصاد ایران طی دهه ۹۰ شمسی نشان می‌دهد که این اقتصاد با دو ویژگی قابل تأمل مواجه است. نخست آنکه در این دهه رکود کم‌سابقه‌ای بر فعالیت‌های حقیقی اقتصاد حاکم شده است، به نحوی که تولید ناخالص داخلی حقیقی سرانه در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۰، بالغ بر ۱۲/۵ درصد کاهش یافته است. از سوی دیگر مشاهده می‌شود که در بازه زمانی مذکور، موجی از نوسانات عدیده قیمتی در بازارهای مالی نظیر سهام، ارز و بازارهای غیرمالی نظیر طلا، مسکن، خودرو و... رخ داده است و این روند همچنان ادامه دارد. نرخ ارز بیش از ۸۵۰ درصد، سکه بهار آزادی بیش از ۷۰۰ درصد، شاخص کل بورس بیش از ۱۸۷۰ درصد و متوسط قیمت هر متر مربع مسکن در شهر تهران بیش از ۵۵۰ درصد افزایش

یافته است. با توجه به وضعیت گفته شده، اقتصاد ایران در دهه ۹۰ شاهد گسترش فعالیت‌های سوداگری و کاهش فعالیت‌های حقیقی و مولد بوده است.

از آنجاکه گسترش فعالیت‌های سوداگری تأثیر مخرب بر رشد فعالیت‌های مولد دارد، دو سؤال مطرح می‌شود که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آنهاست:
اول آنکه آیا تأثیر مخرب فعالیت‌های سوداگری بر بخش حقیقی اقتصاد ایران طی بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۸ قابل تأیید است؟

دوم آنکه در صورت تأیید سؤال اول و با توجه به آنکه مالیات‌ها ابزار مناسبی برای مهار فعالیت‌های سوداگری هستند، نرخ بهینه مالیات برای جلوگیری از تأثیر مخرب فعالیت‌های سوداگری بر بخش حقیقی اقتصاد چقدر است؟

در راستای پاسخ به دو سؤال ذکر شده، این پژوهش در پنج قسمت تدوین شده است. در قسمت اول مقدمه‌ای از مسئله و اهمیت موضوع در اقتصاد ایران ذکر می‌شود. قسمت دوم پژوهش به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش می‌پردازد. در قسمت سوم روش‌شناسی موضوع مورد بررسی قرار گرفته است و قسمت چهارم تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج حاصل از مدل را بسط داده است. در قسمت پایانی نیز جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

فعالیت‌های سوداگری با ایجاد سودهای نامتعارف برای سوداگران، از جمله مهمترین مسائلی هستند که دغدغه‌های سیاستگذاران کشورها، به ویژه در حوزه اقتصاد را بر می‌انگیزانند. این نوع فعالیت‌ها اولاً با ترویج کسب سودهای نامتعارف از فعالیتی که مابه‌ازای کوشش حقیقی برای فعالیت مولد نبوده است، به نظام انگیزشی فعالان اقتصادی - به ویژه در بخش تولید - آسیب می‌رساند که دستاورد آن بروز

آشفته‌گی در بخش‌های مولد خواهد بود. ثانیاً از آنجاکه نفع سوداگران در افزایش بی‌رویه قیمت‌هاست، زمینه بروز اخلال در معیشت اقشار متوسط و ضعیف را فراهم می‌آورد که نتیجه نهایی آن بروز و افزایش شکاف طبقاتی است که یکی از نمودهای آن، افزایش ضریب جینی خواهد بود. مذاقه در آمارهای رسمی منتشر شده در ایران نیز نشان می‌دهد که طی دهه ۹۰، ضریب جینی از رقم ۰/۳۷ در سال ۱۳۹۰ به حدود ۰/۴۱ در سال ۱۳۹۸ رسیده است. از ابزارهای مهمی که می‌تواند برای مهار و مدیریت وضعیت مذکور مورد استفاده قرار گیرد، بهره‌گیری از ابزار مالیاتی و به‌طور خاص مالیات بر فعالیت‌های سوداگری و مالیات بر عائدی سرمایه است.

مالیات مهمترین ابزار سیاست مالی دولت است که منابعی باثبات برای درآمدهای دولت ایجاد می‌کند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بین ابزارهای در دسترس برای تأمین مخارج دولت، هر چه سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج بیشتر باشد، بروز آثار نامطلوب اقتصادی به میزان چشمگیری کاهش می‌یابد (عرب‌مازار و دهقانی، ۱۳۸۸). همچنین مالیات‌ها از جمله ابزارهایی هستند که دولت‌ها با استفاده از آنها می‌توانند بر نحوه هدایت منابع به بخش‌های مختلف اقتصادی، مؤثر واقع شوند (خداداد کاشی و جانی، ۱۳۹۴). با این حال نوع نگاه به مقوله مالیات صرفاً به عنوان مجرای تأمین درآمد برای مخارج دولت نیست، بلکه آن را باید بخشی از منظومه بزرگتری قلمداد کرد که همان نقش‌آفرینی دولت در نظام اجتماعی کشور است.

نظام مالیاتی مطلوب دارای اهدافی چون تأمین درآمد کافی برای دولت، تخصیص بهینه منابع و توزیع عادلانه درآمد است که به منظور دستیابی به این اهداف، پایه‌های مالیاتی کارا، عادلانه و کم‌هزینه از نظر اجرایی را انتخاب می‌کند (طیب‌نیا و زاهدی خوزانی، ۱۳۹۰). از آنجاکه یکی از مهمترین وظایف اقتصادی

دولت‌ها، کنترل وضعیت نابرابری درآمد و اختلاف طبقاتی در جامعه است، دولت‌ها باید در راستای مقابله با این وضعیت و کاهش نابرابری و اختلاف طبقاتی، اقدام به بهره‌گیری از ابزارهای مختلف کنند (سیفی پور و رضایی، ۱۳۹۰). با توجه به آنکه بروز فعالیت‌های سوداگری از موارد مهم در برهم خوردن توازن جامعه از منظر توزیع درآمد است، برقراری مالیات بر این نوع فعالیت‌ها امری ضروری برای دولت‌هاست. به عبارت دیگر برقراری سیاست‌های مالی از طریق وضع مالیات بر فعالیت‌های سوداگری می‌تواند نحوه توزیع مجدد درآمدها را به نحوی تنظیم کند که به افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان منجر شود (همان). بنابراین نقش آفرینی مالیات بر سوداگری و عائدی سرمایه را باید در راستای تثبیت وضعیت اقتصادی و جلوگیری از بروز تلاطمات اجتماعی قلمداد کرد. در قلمرو دانش اقتصاد نیز این نوع مالیات جایگاه خاص خود را دارد.

به‌طور کلی در نظام‌های مالیاتی دو نوع مالیات وجود دارد. گروه اول شامل مالیات بر جریان درآمد حاصل از دارایی‌هاست و گروه دوم شامل مالیات بر منبع درآمد است. مالیات بر سوداگری و مالیات بر عائدی سرمایه، نوعی از مالیات بر افزایش ارزش دارایی است، بر این اساس جزء دسته اول قرار دارد (تقوی، درویشی و شهیکی تاش، ۱۳۸۸). مالیات بر فعالیت‌های سوداگری و عائدی سرمایه، در دنیا حدود یک قرن است که بر عائدات سرمایه حاصل از سرمایه‌گذاری در تملک دارایی وضع می‌شود. این نوع مالیات بر افزایش ارزش مازادی وضع می‌شود که ناشی از کار و تولید نیست و به دلیل بروز شرایط خاص در بازار به وجود می‌آید (صامتی، صمدی و شریفی، ۱۳۹۴) که از مهمترین این شرایط، ورود و تهاجم سوداگران به بازارهایی نظیر مسکن، طلا، ارز و سهام است که به ایجاد حباب در بازارهای مذکور منجر می‌شوند.

از آنجاکه هدف از برقراری مالیات‌ها صرفاً کسب درآمد برای دولت نیست، نوع

آثاری که برقراری مالیات بر پایه‌های مالیاتی مختلف بر جای می‌گذارد، امری مهم و قابل بررسی است. مطالعات انجام شده در مورد مالیات بر سوداگری و مالیات بر عائدی سرمایه نشان می‌دهد که برقراری این نوع مالیات، از مجاری مختلف بر روی مؤلفه‌های مهمی همچون سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، توزیع درآمد، ترکیب دارایی خانوارها، سیاست مالی دولت‌ها و بنگاه‌ها و تقاضا برای دارایی‌های حقیقی تأثیرگذار است (تقوی، درویشی و شهیکی تاش، ۱۳۸۸) و این تأثیر بیشتر در راستای بهبود عملکرد سیستم اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی است.

با توجه به نکات ذکر شده و گزاره‌هایی که پیرامون نقش مؤثر مالیات بر فعالیت‌های سوداگری و عائدی سرمایه مطرح می‌شود، تحقیقات اندکی به برآورد نرخ مطلوب و مؤثر این نوع مالیات پرداخته‌اند. به عبارت دیگر پس از پذیرش برقراری این نوع مالیات در سیستم اقتصادی، این سؤال به وجود می‌آید که نرخ مطلوب و مؤثر این نوع مالیات در چه سطحی باید قرار گیرد؟

نرخ مؤثر مالیاتی یکی از مهمترین شاخص‌های کارایی مالیاتی و از مسائل مهم در پژوهش‌های مالیاتی است که علاوه بر کاربردهای گسترده آن در تصمیمات اقتصادی و سیاست‌گذاری‌ها، به عنوان ابزاری جهت هدایت سرمایه نیز مطرح است (حسنی و شفیعی، ۱۳۸۹)، با این حال برآورد این نرخ در مقوله سوداگری کمتر از سایر زمینه‌ها مورد تحلیل و کنکاش قرار گرفته است.

«نرخ مؤثر مالیاتی نرخی واحد است که براساس آن از فعالیت‌هایی که مشمول مالیات هستند، مالیات اخذ می‌شود» (همان). در واقع مؤثر بودن این نرخ از آنجا ناشی می‌شود که سیاستگذار را علاوه بر تأمین اهداف درآمدی، به هدف اصلی که بدان منظور اقدام به وضع مالیات کرده است، می‌رساند. هدف اصلی سیاستگذار درباره مالیات بر فعالیت‌های سوداگری و عائدی سرمایه، پیشگیری از وقوع

حالت‌های حسابی و پیشگیری از بروز سودهای نامتعارف در بازارهای دارایی است که می‌توانند به انگیزه‌های تولید و بهبود فاصله طبقاتی، ضربه وارد کنند. بنابراین منظور از نرخ مطلوب مالیاتی در این نوع فعالیت‌ها، نرخی است که سوداگران را از بروز رفتارهای سوداگری در بازارهای دارایی برحذر دارد و انگیزه آنان برای اخلاص در سیستم اقتصادی کشور را به‌طور جدی کاهش داده و یا از بین ببرد. این امر موضوعی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتنی است در بسیاری از نظریه‌های اقتصادی، از مالیات به عنوان عاملی اخلاص‌کننده در فرایند رقابت و کاهش‌دهنده سودآوری و در نتیجه کاهش‌دهنده انگیزه سرمایه‌گذاری یاد می‌شود (موسوی جهرمی، خداداد کاشی و زیارتی، ۱۳۸۸). خاطر نشان می‌شود هرچند که در ادبیات متعارف اقتصادی، برقراری مالیات، دخالت در سازوکار بازار قلمداد می‌شود که می‌تواند آثار ناکارایی تخصیصی و زیان رفاهی به همراه آورد، اما دولت‌ها می‌توانند با عملکرد کارا در این حوزه، اقدام به تخصیص بهینه منابع حاصل از مالیات کنند و به این ترتیب رفاه جامعه را بیش از هزینه پرداختی بابت مالیات‌ها افزایش دهند (خداداد کاشی و جانی، ۱۳۹۴). در زمینه مالیات بر فعالیت‌های سوداگری این نکته مهم است که بروز فعالیت‌های سوداگریانه در اقتصاد، زمینه انحراف منابع از فعالیت‌های مطلوب را فراهم می‌آورد که در نهایت به زیان رفاه جامعه است، از این رو با برقراری مالیات بر این نوع فعالیت‌ها می‌توان رفاه جامعه را افزایش داد. این بحث موضوعی آزموده شده است، به نحوی که در کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته، اخذ مالیات بر عایدی سرمایه در بخش‌هایی نظیر املاک و ... به عنوان یک ابزار کارآمد و عادلانه جهت افزایش درآمد مورد توجه قرار گرفته است (صامتی، صمدی و شریفی، ۱۳۹۴).

از اواخر دهه ۸۰ تحقیقات زیادی در زمینه الگوهای رشد انجام گرفت که به

ایجاد الگوهای جدیدی به نام «الگوهای رشد درون‌زا» منجر شد. این الگوها نشان می‌دهند که سازوکارهای درونی اقتصاد مانند آموزش، سطح مناسبی از علم و مهارت، پژوهش و... در رشد اقتصادی نقش دارند. البته هدف نظریه پردازان رشد درون‌زا، بی‌توجهی به عامل سرمایه و فناوری نیست، بلکه معتقدند هر دو این موارد از اجزای ضروری رشد هستند، اما به‌کارگیری مجموعه‌ای از سیاست‌ها در کنار سرمایه و فناوری، نرخ رشد اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

الگوهای جدید رشد، رویکردها و الزامات سیاستی جهت تحقق یک رشد پایدار را گسترش تجارت، توسعه سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری و سیاست‌های کارآمد دولت می‌دانند. به عبارت دیگر رشد اقتصادی براساس مجموعه‌ای از سازوکارها اتفاق می‌افتد که غیر از نهاده‌های اولیه تولید، عوامل دیگری نیز دخیل هستند. با توجه به این مسئله اگر زمینه لازم جهت کارکرد این سازوکارها ایجاد نشود، نمی‌توان رشد پایدار اقتصادی را انتظار داشت.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. مطالعات داخلی

در مطالعات داخلی که پیرامون موضوع پژوهش و موضوعات مشابه انجام شده است، مقالات بسیار اندکی هستند که به برآورد نرخ مطلوب مالیاتی برای فعالیت‌های اقتصادی اختصاص یافته‌اند، با این حال همان مطالعات اندک نیز نسبت به برآورد نرخ بهینه مالیاتی برای فعالیت‌های سوداگری و عائدی بر سرمایه، پژوهشی را انجام نداده‌اند. به‌طور کلی این پژوهش‌ها در چهار دسته کلی قابل بررسی هستند.

دسته اول، مقالاتی هستند که نرخ‌های مالیاتی در فعالیت‌های غیراخلال‌زا

را مورد بررسی قرار داده‌اند و حوزه شمول پژوهش در سطح اقتصاد خرد است. نجارزاده، رضایی پور و آقایی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحلیلی، روند تعیین نرخ‌های بهینه مالیاتی در ایران را با استفاده از رویکرد تحلیل کشش‌های تقاضا بررسی کردند. موسوی جهرمی، خداداد کاشی و زیارتی (۱۳۸۸) در پژوهشی به تحلیل نرخ مؤثر مالیات بر شرکت‌ها پرداختند که بیانگر تحلیل مالیات بر فعالیت‌های مولد و غیراخلال‌زا در اقتصاد است. حسنی و شفيعی (۱۳۸۹) در پژوهشی مشابه، نرخ مؤثر مالیاتی در مشاغل و اشخاص حقوقی را بررسی و اقدام به برآورد آن کردند. این پژوهش نیز فعالیت‌های سفته‌بازانه را تحلیل نکرده است.

دسته دوم از پژوهش‌های مرتبط، نرخ‌های مؤثر و مطلوب را در سطح کلان اقتصاد و برای فعالیت‌های غیراخلال‌زا تحلیل کرده‌اند. عرب‌مازار و باجلان (۱۳۸۷) نرخ بهینه مالیات بر کالاها و خدمات در ایران را در سطح کلان و با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار داده‌اند. کیارسی، دلالی اصفهانی و طیبی (۱۳۸۹) نیز به برآورد نرخ بهینه مالیات و سطح مخارج دولت در اقتصاد ایران اقدام کردند. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از الگوی سه‌بخشی درون‌زا استفاده شده است. هژبرکیانی، غلامی و نوبخت سیاه‌رود کلایی (۱۳۹۱) در چارچوب تحلیلی کلان، نرخ بهینه مالیات برای ارزش افزوده اقتصاد ایران را برآورد و برای پیشبرد موضوع از الگوی دایموند-میرلس استفاده کردند. مهربانی و نصیری اقدم (۱۳۹۲) نیز با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه گسترده اقدام به تحلیل موضوع کرده و به دنبال کاربردی از رفاه اجتماعی رالزی برای بهینه‌یابی هستند. شهنازی و نصیرآبادی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی با تقسیم‌بندی دارایی‌ها به دو دسته مسکن و غیرمسکن، مالیات بهینه بر این دو دسته را بررسی کرده‌اند. دسته سوم از پژوهش‌های مرتبط، نرخ‌های مؤثر برای فعالیت‌های اخلال‌زا را

مورد بررسی قرار داده‌اند، اما بررسی‌ها آنها نشان می‌دهد که مربوط به فعالیت‌های سوداگری نبوده و اقدام به تحلیل موضوع در زمینه آلودگی‌های زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی کرده‌اند. هادیان و استادزاد (۱۳۹۲) سطح بهینه مالیات بر آلودگی در اقتصاد ایران را مورد بررسی قرار دادند و به منظور برآورد سطح بهینه نیز از روش رشد تعمیم‌یافته استفاده کردند. امیر تیموری و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی مالیات بهینه بر گاز کربن دی‌اکسید گوگرد منتشره توسط مجتمع مس سرچشمه را مورد بررسی قرار داده و در همین راستا برای تخمین نرخ بهینه مالیات بر آلاینده مذکور، از رویکرد اقتصاد - مهندسی استفاده کردند. حیدری و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی، نرخ بهینه مالیات‌های زیست‌محیطی را برای صنعت برق استخراج کردند. در این پژوهش برای برآورد نرخ بهینه مالیات از مدل بازی اشتاکلبرگ استفاده شده است. دیگر پژوهش مرتبط با این دسته، مربوط به بلالی، خالدیان و سام دلیری (۱۳۹۷) است. آنها نرخ بهینه مالیات سبز بر گازهای گلخانه‌ای در گاوداری‌های همدان را مورد بررسی قرار دادند و برای برآورد نرخ بهینه از روش ISUR استفاده کردند.

دسته چهارم از پژوهش‌های مرتبط، نرخ‌های مؤثر برای فعالیت‌های سوداگری را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این زمینه تنها یک مطالعه در ایران وجود دارد. شهنازی و نصیرآبادی (۱۳۹۴) در پژوهش خود، اقدام به تفکیک دارایی‌ها به دو دسته مسکن و غیرمسکن کرده‌اند و پس از آن، برآورد نرخ بهینه مالیات بر سرمایه‌های مذکور را مورد بررسی قرار داده‌اند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها مدل تعادل عمومی استفاده شده و نرخ بهینه برآورد شده است.

جمع‌بندی پژوهش‌های انجام شده درباره مالیات در ایران نشان می‌دهد که مطالعه‌ای در حوزه برآورد نرخ مطلوب مالیات بر فعالیت‌های سوداگری انجام

نشده است که حکایت از موقعیت بسیط این حوزه از مالیات برای فعالیت‌های پژوهشی معتبر دارد.

۲-۲. مطالعات خارجی

بررسی ادبیات موضوع در مطالعات خارجی نشان می‌دهد که پایه پژوهش‌ها در مورد بررسی وضع مالیات در زمینه‌های مختلف، عمدتاً براساس مطالعه رمزی (۱۹۲۷) قرار دارد.

هیدی و میترا (۱۹۸۰) به بررسی نرخ‌های بهینه مالیات در انگلستان پرداختند. آنها بیان کردند که برقراری نرخ واحد بر همه کالاها، خدمات و فعالیت‌ها، نرخ‌ی بهینه نخواهد بود و به کاهش رفاه اجتماعی منجر می‌شود.

کلین (۱۹۹۹) در پژوهشی اثبات کرده است که اخذ مالیات سوداگری بر دارایی‌ها به کاهش بازدهی دارایی‌های بدون ریسک منجر خواهد شد.

از مهمترین مطالعاتی که در زمینه نرخ‌های مؤثر و بهینه مالیاتی طی سالیان اخیر انجام شده، مطالعه چن و مینتز (۲۰۱۰) است. آنان نرخ مؤثر مالیاتی بر اشخاص حقوقی در هشتاد کشور جهان را بررسی و برآورد کردند. نتایج آنها نشان داد: الف) نرخ یکسانی برای کشورهای مختلف وجود ندارد، ب) متوسط نرخ بهینه در حدود ۱۸/۲ درصد است و ج) نرخ بهینه در کشورهای پیشرفته صنعتی، عمدتاً به میزان قابل توجهی بالاتر از نرخ متوسط مذکور است.

نورگارد (۲۰۱۳) نشان داد که سطح توسعه‌یافتگی و میزان شهرنشینی تأثیر بالایی بر مالیات دارایی دارند و مؤلفه‌هایی نظیر درآمد سرانه تأثیر کمتری بر این موضوع دارند.

لی، لین و روبینسون (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی تأثیر برقراری نرخ بهینه مالیات بر عائدی سرمایه را بر قیمت دارایی‌های سهام مورد بررسی قرار دادند. نتایج

آنها نشان می‌دهد که برقراری مالیات مذکور در بلندمدت به کاهش قیمت‌های پیشنهادی منجر می‌شود.

آگاروال و همکاران (۲۰۲۰) تأثیر برقراری مالیات عائدی سرمایه بر رفتارهای سودآوری را در بخش مسکن بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که با اعمال مالیات مذکور، متوسط تعداد سال‌های نگهداری مسکن افزایش می‌یابد که حکایت از کاهش انگیزه‌های سفته‌بازانه است.

ادوارد و تادنهاپت (۲۰۲۰) نقش مالیات عائدی سرمایه و سودآوری را در فعالیت‌های نوآورانه مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که برقراری این نوع مالیات در کسب‌وکارهای نوآورانه نتیجه مطلوبی ندارد، به نحوی که با کاهش نرخ مالیات، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مذکور رشد می‌کند.

گو و همکاران (۲۰۲۰) تأثیر کارایی برقراری مالیات عائدی سرمایه را بر رفتار سرمایه‌گذاران در انتخاب و نگهداری پورتفوی بهینه تحلیل کردند. سیاست اعمالی آنان استفاده از مالیات مذکور برای تشویق به سرمایه‌گذاری بلندمدت و پیشگیری از رفتارهای سودآرایانه در کوتاه مدت بود. نتایج پژوهش کارایی ابزار را مورد تأیید قرار داد. همچنین در پژوهشی تقریباً مشابه، گو و چینگ (۲۰۲۰) نیز رفتار سرمایه‌گذاران را مورد بررسی قرار دادند که نتایج مشابهی را به دست آوردند.

آگاپوآ و وولکوف (۲۰۲۱) تأثیر تغییرات در نرخ مالیات عائدی سرمایه بر جهت و میزان تجارت را بررسی کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که فعالان حوزه تجارت، پاسخ نامتقارنی به تغییرات نرخ مالیات مذکور می‌دهند و پاسخ مذکور در حالت کاهش مالیات، به مراتب بیشتر از زمانی است که نرخ مالیات افزایش می‌یابد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه ابتدا با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ به بررسی اثر عایدی دارایی‌ها بر رشد سرمایه‌گذاری و رشد تولید ناخالص داخلی پرداختیم. روش گشتاورها یک روش تخمین است که بیان می‌کند پارامترهای مجهول باید به وسیله تطبیق گشتاورهای جامعه (که توابعی از پارامترهای مجهول هستند) با گشتاورهای نمونه‌ای مناسب تخمین زده شوند.

علت استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته مزایای این روش نسبت به سایر روش‌های اقتصادسنجی است. در این روش می‌توان متغیرهای درون‌زا را نیز استفاده کرد. یکی از راه‌های کنترل درون‌زایی متغیرها، استفاده از متغیر ابزاری است. یک ابزار زمانی قدرت لازم را خواهد داشت که با متغیر مورد بررسی همبستگی بالایی داشته باشد، در حالی که با اجزای خطا همبستگی نداشته باشد. پیدا کردن چنین ابزاری بسیار مشکل است. روش برآورد گشتاورهای تعمیم‌یافته حداقل به سه دلیل مناسب است. اولین مزیت این است که اجازه می‌دهد از وقفه این متغیرها به عنوان ابزارهای مناسبی جهت کنترل درون‌زایی استفاده کنیم. دومین مزیت این است که می‌توان پویایی‌های موجود در متغیر مورد بررسی را در مدل لحاظ کرد و سومین مزیت این است که در داده‌های سری زمانی، مقطعی و پانل قابل استفاده است.

در مرحله بعد با استفاده از رگرسیون حد آستانه‌ای، ابتدا حد آستانه مربوط به آثار هر یک از عایدی‌ها را محاسبه و سپس براساس آن و همچنین برمبنای میانگین نرخ عایدی‌ها، به محاسبه نرخ مطلوب مالیات در هر بازار می‌پردازیم.

1. Generalized Method of Moments (GMM)

روش رگرسیون آستانه‌ای ارائه شده توسط هنسِن^۱ (۱۹۹۹) به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا توابع رگرسیونی به‌طور یکنواخت از همه مشاهده‌ها عبور می‌کنند یا می‌توانند به گروه‌های مجزا شکسته شوند؟ تجزیه و تحلیل سنتی روابط غیرخطی به‌طور معمول بر اساس رهیافت تقسیم نمونه به دو گروه برون‌زا است که بر پایه داوری و ترجیح‌های فردی استوار است. در صورت استفاده از این روش، انتخاب تعداد الگوها و محل آن اختیاری و بر اساس راهنمایی‌های نظریه‌های اقتصادی پیشین است. در این صورت درستی نتایج و پارامترهای تخمین زده شده پرسش برانگیز است؛ زیرا به‌طور وسیعی به انتخاب نقطه‌ای وابسته است که آستانه در آنجا رخ می‌دهد.

روش دیگر که در تجزیه و تحلیل‌های آستانه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش رگرسیونی پی‌درپی یا درخت رگرسیونی است که شمار و محل آستانه‌ها را به‌طور کاملاً درون‌زا و با استفاده از مرتب‌سازی داده‌های موجود تعیین می‌کند. این مبحث به‌طور جدی توسط هنسِن (۱۹۹۹؛ ۲۰۰۰) با ارائه یک روش جدید در اقتصادسنجی توسعه داده شد. از مزایای دیگر این است که تصورهای ذهنی در شکل‌گیری نوع رابطه غیرخطی دخالتی ندارند و به فرم تابع معین غیرخطی در بررسی روابط غیرخطی نیاز ندارند (زیبایی و مظاهری، ۱۳۸۸).

اگر داده‌های ترکیبی متوازن به صورت $\{y_{it}, q_{it}, X_{it}, 1 \leq i < n, 1 \leq t < T\}$ باشند، اندیس i نشان‌دهنده مقاطع و اندیس t نمایانگر زمان است. y_{it} متغیر وابسته و q_{it} متغیر آستانه‌ای اسکالر هستند؛ در صورتی که رگرسور X_{it} یک بردار است. فرم ساختاری این مدل به صورت رابطه (۱) است.

$$y_{it} = \mu_i + \beta_1' I(q_{it} \leq \gamma) + \beta_2' X_{it} I(q_{it} > \gamma) + e_{it} \quad \text{رابطه (۱)}$$

1. Hansen

در این رابطه $I(0)$ تابع شاخص است.

منظور از حد آستانه، نرخ‌ی از مالیات است که مجموع مجذورات خطا را در رابطه (۱) حداقل می‌کند.

مشاهده‌ها بر اساس اینکه متغیر آستانه q_{it} کمتر یا بیشتر از γ است، به دو الگو تقسیم می‌شوند. این الگوها توسط تفاوت شیب‌های رگرسیون β_1 و β_2 مشخص می‌شوند. شناسایی β_1 و β_2 نیازمند این است که عناصر X_{it} در طول زمان تغییر نپذیر نباشند. فرض می‌شود که متغیر آستانه‌ای q_{it} در طول زمان تغییر نپذیر نباشد. در مورد جمله خطای ε_{it} فرض می‌شود که غیر وابسته و به‌طور یکسان توزیع شده و دارای میانگین صفر و واریانس محدود σ^2 است (iid). پس از تعیین نقاط آستانه‌ای به روش هنسن، مدل مطالعه حاضر به شرح رابطه (۲) برآورد می‌شود:

$$v_{it} = \mu_i + \theta' h_{it} + \alpha_1 d_{it} I(d_{it} \leq \gamma) + \alpha_2 d_{it} I(d_{it} > \gamma) + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۲)}$$

۴. تصریح مدل و متغیرهای مورد استفاده

در این قسمت برای بررسی اثر عایدی دارایی‌های مالی شامل سهام، مسکن، ارز و طلا بر رشد تولید ناخالص داخلی و رشد سرمایه‌گذاری، از الگوی گشتاورهای تعمیم یافته استفاده خواهیم کرد. از این رو بر اساس مبانی نظری ارائه شده و همچنین مطالعات تجربی ابتدا معادله رشد تولید ناخالص داخلی به صورت زیر ارائه می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{DGDP} = & C(1) + C(2)*\text{DINV} + C(3)*\text{DG} + C(4)*\text{DXOIL} + C(5)*\text{DTEP} + \\ & C(6)*\text{DTOP} + C(7)*\text{INF}(-1) + C(8)*\text{DSAN} + C(9)*\text{DGOLD} + C(10)*\text{DEF} \\ & (-1) + C(12)*\text{DL} + C(14)*\text{DH}(-2) + \text{DGDP}(-1) \end{aligned}$$

این مدل رشد اقتصادی را با بررسی انباشت سرمایه و رشد جمعیت یا نیروی کار توضیح می‌دهد. هسته اصلی مدل، تابع تولید نئوکلاسیک کاب داگلاس است

که ارتباط با مبانی اقتصاد خرد را فراهم می‌کند. علاوه بر این، براساس مدل‌های رشد درون‌زا عواملی مانند تجارت و سیاست‌های دولت نیز لحاظ شده است. همچنین برای بررسی تأثیر این عایدی‌ها بر رشد سرمایه‌گذاری، همانند مدل ولدخانی، کمالیان و پهلوانی (۲۰۰۸) معادله رشد سرمایه‌گذاری به صورت زیر ارائه می‌شود:

$$DINV = C(21) + C(22) * DGDP + C(23) * DYV2 + C(24) * DTOP + C(25) * TC + C(26) * INF(-1) + C(27) * R(-1) + C(28) * DEF + C(29) * DGOLD + C(30) * DEF(-1) + C(32) * DH + C(33) * DTEP(-2) + DINV(-1)$$

DGDP رشد تولید، DINV رشد سرمایه‌گذاری، DG رشد هزینه مخارج مصرفی دولت، DTOP شاخصی برای درجه باز بودن اقتصاد که از جمع صادرات کالا و خدمات و واردات کالا و خدمات بر تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید، DXOIL رشد صادرات نفت و گاز (دلاری)، DL رشد نیروی کار، INF تورم، DGOLD رشد قیمت (عایدی) طلا، DEF رشد قیمت (عایدی) نرخ ارز، DH رشد قیمت (عایدی) ارزش افزوده مسکن، DTEP رشد قیمت (عایدی) شاخص سهام، DSAN متغیر مجازی تحریم دهه ۹۰ (سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲ و ۱۳۹۸-۱۳۹۷) مقدار یک و بقیه سال‌ها مقدار صفر)، DYV2 رشد نوسانات اقتصادی و TC نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌هاست.

برای محاسبه نوسانات اقتصادی روش‌های متفاوتی وجود دارد. در پژوهش‌های اولیه، فاصله متغیر از میانگین آن را به عنوان نوسانات در نظر می‌گرفتند. روش‌های دیگر شامل تغییرات انتظاری پیش‌بینی‌کنندگان از متغیر در طول زمان است. رویکرد دیگر براساس مدل‌های اقتصادسنجی است. در چنین شرایطی، مدل‌های عمومی مدل خودرگرسیون واریانس ناهمسانی شرطی^۱ و شکل گسترش یافته آن

1. Auto Regressive Conditional Heteroskedasticity (ARCH)

مدل خودرگرسیون واریانس ناهمسانی شرطی تعمیم‌یافته^۱ ارجحیت دارند. در این مدل‌ها، نااطمینانی متغیر به وسیله واریانس شرطی جمله خطای مدل برآوردی که در طول زمان تغییر می‌کند، به دست می‌آید. برای محاسبه نوسانات اقتصادی، ابتدا آثار مدل خودرگرسیونی واریانس ناهمسانی شرطی در تولید ناخالص داخلی آزمون و سپس معادله خودرگرسیونی واریانس ناهمسانی شرطی تعمیم‌یافته برآورد می‌شود. از آنجاکه لحاظ رشد نوسانات موجب عملکرد بهتر مدل حاضر شد، از آن استفاده شده است. R نرخ سود سپرده یک‌ساله بانک‌های دولتی به عنوان نرخ بهره در نظر گرفته شده است.

۵. برآورد معادلات الگو

در این قسمت نتایج مربوط به ضرایب برآورد شده هر یک از عایدی‌ها بر متغیرهای وابسته مدل محاسبه شده‌اند. برآورد مدل به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برای دوره زمانی ۱۳۷۱-۱۳۹۸ انجام شده است. نتایج حاکی از اثر منفی متغیرهای مربوط به عایدی بازارها بر رشد تولید و رشد سرمایه‌گذاری است.

1. Generalized Auto Regressive Conditional Heteroskedasticity (GARCH)

جدول ۱. ضرایب هر یک از عایدی‌ها بر متغیر رشد تولید ناخالص داخلی

| عایدی طلا | عایدی ارز | عایدی مسکن | عایدی سهام | |
|-----------|-----------|------------|------------|---------|
| -۰,۰۲۴ | -۰,۰۰۴۹ | -۰,۰۴۰ | -۰,۰۰۶۸ | ضریب |
| -۱۴,۷۱ | -۵,۴۲ | -۱۶,۴۴ | -۱۱,۴۲ | آماره t |

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان‌گونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، عایدی هر یک از دارایی‌ها بر رشد تولید ناخالص داخلی اثر منفی دارد. همچنین ضرایب برآورد شده از لحاظ آماری معنادار هستند.

جدول ۲. ضرایب هر یک از عایدی‌ها بر متغیر رشد سرمایه‌گذاری

| عایدی طلا | عایدی ارز | عایدی مسکن | عایدی سهام | |
|-----------|-----------|------------|------------|---------|
| -۰/۰۵۵ | -۰/۳۹۳ | -۰/۲۸ | -۰/۰۹۸ | ضریب |
| -۱۰/۱۰ | -۲۲/۷۹ | -۷/۵۹ | -۳۲/۴۶ | آماره t |

مأخذ: همان.

همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، عایدی هر یک از دارایی‌ها بر رشد سرمایه‌گذاری اثر منفی دارد. همچنین ضرایب برآورد شده از لحاظ آماری معنادار هستند. پس از تأیید رابطه منفی میان اثرگذاری عایدی دارایی‌ها بر رشد تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری، به محاسبه نرخ مطلوب مالیات بر هر یک از دارایی‌ها می‌پردازیم.

ابتدا نتایج برآورد مدل آستانه‌ای را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. حد آستانه عایدی سهام، در تابع تولید و تابع سرمایه‌گذاری به ترتیب معادل ۵ و ۴ درصد به دست آمده است. آزمون هنس‌ن نشان می‌دهد آستانه برآورد شده معنادار و مدل دارای آستانه است. به این معنا که عایدی سهام بر روی تولید و سرمایه‌گذاری در دو سطح مختلف اثر می‌گذارد. عایدی سهام، در

سطوح کمتر از ارقام فوق تأثیر مثبت و معناداری بر تولید و سرمایه‌گذاری دارد و نرخ‌های بالاتر تأثیر منفی بر جای می‌گذارند.

۲. حد آستانه عایدی مسکن، در تابع تولید و تابع سرمایه‌گذاری به ترتیب معادل با $۵/۶$ و $۸/۷$ درصد به دست آمده است. آزمون هنس‌ن نشان می‌دهد آستانه برآورد شده معنادار و مدل دارای آستانه است.

۳. حد آستانه عایدی ارز، در تابع تولید و تابع سرمایه‌گذاری به ترتیب معادل با $۲/۶$ و $۱/۴$ درصد به دست آمده است. آزمون هنس‌ن نشان می‌دهد آستانه برآورد شده معنادار و مدل دارای آستانه است.

۴. حد آستانه عایدی طلا، در تابع تولید و تابع سرمایه‌گذاری به ترتیب معادل با $۲/۱$ و ۵ درصد به دست آمده است. آزمون هنس‌ن نشان می‌دهد آستانه برآورد شده معنادار و مدل دارای آستانه است.

میانگین عایدی سالیانه هر دارایی در طول بازه زمانی ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۸ در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. میانگین عایدی سالیانه هر دارایی در بازه زمانی ۱۳۷۱-۱۳۹۸

| سهم | مسکن | ارز | طلا | میانگین عایدی |
|------|------|------|------|---------------|
| ۳۶/۷ | ۱۸/۲ | ۲۰/۷ | ۲۷/۱ | |

مأخذ: همان.

برای محاسبه اختلاف عایدی هر دارایی از حد آستانه برآورد شده در مدل، میانگین عایدی سالیانه هر دارایی را از مقادیر حد آستانه‌ای توابع تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری کسر می‌کنیم. نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. اختلاف عایدی هر دارایی از حد آستانه برآورد شده در مدل

| طلا | | ارز | | مسکن | | سهام | | اختلاف عایدی‌ها از حد آستانه |
|-------------------|------------|-------------------|------------|-------------------|------------|-------------------|------------|------------------------------|
| تابع سرمایه‌گذاری | تابع تولید | تابع سرمایه‌گذاری | تابع تولید | تابع سرمایه‌گذاری | تابع تولید | تابع سرمایه‌گذاری | تابع تولید | |
| ۲۲/۱ | ۲۵ | ۱۹/۳ | ۱۸/۱ | ۹/۵ | ۱۲/۶ | ۳۲/۷ | ۳۱/۷ | |

مأخذ: همان.

برای محاسبه نرخ‌های مطلوب مالیات، ارقام اختلاف عایدی هر دارایی از حد آستانه مربوط به توابع تولید و سرمایه‌گذاری را به میانگین عایدی سالیانه هر دارایی تقسیم می‌کنیم. در این صورت نسبت‌هایی به دست می‌آید که به عنوان نرخ‌های مطلوب مالیات در هر یک از دارایی‌ها در نظر گرفته می‌شود. نتایج در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۵. نرخ‌های مطلوب مالیات در هر یک از دارایی‌ها

| طلا | | ارز | | مسکن | | سهام | | نرخ مطلوب مالیات |
|-------------------|------------|-------------------|------------|-------------------|------------|-------------------|------------|------------------|
| تابع سرمایه‌گذاری | تابع تولید | تابع سرمایه‌گذاری | تابع تولید | تابع سرمایه‌گذاری | تابع تولید | تابع سرمایه‌گذاری | تابع تولید | |
| ۸۱/۶ | ۹۲/۳ | ۹۳/۲ | ۸۷/۵ | ۵۲/۱ | ۶۹/۲ | ۸۹/۱ | ۸۶/۴ | |

مأخذ: همان.

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، در صورتی که تولید را در تعیین نرخ مطلوب مالیات ملاک عمل قرار دهیم، بیشترین نرخ مطلوب مالیات مربوط به بازار طلا به میزان ۹۲/۳ درصد و کمترین آن مربوط به بازار مسکن به میزان ۶۹/۲ درصد است. از سوی دیگر اگر سرمایه‌گذاری را در تعیین نرخ مطلوب مالیات ملاک عمل قرار دهیم، بیشترین نرخ مطلوب مالیاتی مربوط به بازار ارز به میزان ۹۳/۲ درصد و کمترین آن مربوط به بازار مسکن به میزان ۵۲/۱ درصد است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند از جمله علل عمده آشفته‌گی بازارهای مختلف دارایی در کشور، نبود نظام کارآمد مالیات بر عایدی سرمایه است. این امر سبب شده که سفته‌بازان علاوه بر کسب درآمدهای سرشار، به افزایش هر چه بیشتر قیمت دامن بزنند. بنابراین می‌توان مالیات بر عایدی سرمایه را راهکار مناسبی برای مقابله با فعالیت‌های منفعت‌طلبانه معاملاتی دانست. در این مطالعه ضمن بررسی اثر عایدی دارایی‌های مختلف بر رشد تولید و رشد سرمایه‌گذاری در کشور، ابتدا حد آستانه‌ای اثر عایدی هر دارایی بر متغیرهای مذکور محاسبه و سپس نرخ‌های مطلوب مالیات برای هر یک از عایدی‌ها محاسبه شد.

بر اساس نتایج به دست آمده اولاً عایدی دارایی‌ها بر رشد تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری در کشور اثر منفی دارد و ثانیاً وضع نرخ‌های مطلوب مالیات که در این مطالعه محاسبه شده‌اند، می‌توانند به‌عنوان یک سیستم بازدارنده از شدت افزایش قیمت‌ها از طریق سفته‌بازی بکاهند. در واقع با لحاظ مالیات بر عایدی می‌توان انتظار داشت سفته‌بازی کالاهای سرمایه‌ای دیگر توجیه اقتصادی نداشته باشد زیرا با افزایش قیمت، سود حاصله در قالب مالیات اخذ می‌شود. از آنجاکه حجم عظیم نقدینگی در اقتصاد ایران، عامل مهمی برای ایجاد تلاطمات شدید در بازار دارایی‌هاست، برای جلوگیری از هجوم نقدینگی سرگردان به بازارهایی مانند مسکن، ارز، طلا و سهام و جلوگیری از ایجاد تقاضاهای هیجانی در آنها، پیشنهاد می‌شود مالیات بر عایدی سرمایه به‌طور همزمان و در همه بازارها بر عواید حاصل از نگهداری این دارایی‌ها اعمال شود.

منابع و مآخذ

۱. امیر تیموری، سمیه، صادق خلیلیان، حمید امیرنژاد و علی محبی (۱۳۹۳). «برآورد میزان بهینه اجتماعی گاز دی اکسید گوگرد (SO₂) منتشر شده از مجتمع مس سرچشمه و مالیات بهینه بر آن»، *تحقیقات اقتصادی*، (۴) ۴۹.
۲. بلالی، حمید، قاسم خالدیان و احمد سام دلیری (۱۳۹۷). «تعیین نرخ بهینه مالیات سبز بر انتشار گازهای گلخانه‌ای در گاوداری‌های شیری استان همدان»، *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، (۳) ۳۲.
۳. تقوی، مهدی، باقر درویشی و محمدنبی شهیکی تاش (۱۳۸۸). «بررسی مالیات بر عایدی سرمایه (CGT)»، *پژوهشنامه مالیات*، (۷) ۱۷.
۴. جعفری صمیمی، احمد، سعید کریمی پتانلار و کورش اعظمی (۱۳۹۵). «کاربرد الگوی رشد درون‌زا برای محاسبه نرخ بهینه مالیات بر ارزش افزوده با تأکید بر کالاهای مضر و پسماند»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی*، (۳۴) ۱۰.
۵. حسنی، محسن و سعیده شفیعی (۱۳۸۹). «تخمین نرخ مؤثر مالیاتی در پایه‌های مشاغل و اشخاص حقوقی»، *پژوهشنامه مالیات*، (۸) ۱۸.
۶. حیدری، مهدی و یحیی یعقوب‌نژاد، ریحانه هلالی و مرتضی عباسپور (۱۳۹۴). «ارائه مدلی جهت تعیین نرخ بهینه مالیات‌های زیست‌محیطی (با تأکید بر اثر تخصیص مجدد در صنعت برق ایران)»، *پژوهشنامه مالیات*، (۲۶) ۲۳.
۷. خداداد کاشی، فرهاد و سیاوش جانی (۱۳۹۴). «بررسی امکان برقراری مالیات بر سود سپرده‌های بانکی در ایران با تأکید بر کارایی تخصیصی»، *پژوهشنامه مالیات*، (۲۶) ۲۳.
۸. زیبایی، منصور و زهرا مظاهری (۱۳۸۸). «اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر رشد بخش کشاورزی، رهیافت رگرسیون آستانه‌ای»، *مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی*، (۱) ۲۳.
۹. سیفی‌پور، رویا و محمدقاسم رضایی (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌ها»، *پژوهشنامه مالیات*، (۱۰) ۱۹.

۱۰. شهنازی، روح‌اله و شهره نصیرآبادی (۱۳۹۴). «تعیین مالیات بهینه بر سرمایه مسکن در مقایسه با سرمایه غیر مسکن»، فصلنامه علمی - پژوهشی *مدلسازی اقتصادی*، ۹(۳۰).
۱۱. صامتی، مجید، سعید صمدی و مرضیه شریفی (۱۳۹۴). «مالیات بر عایدی سرمایه و تأثیر آن بر قیمت مسکن مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای عضو (OECD)»، *پژوهشنامه مالیات*، ۲۳(۲۶).
۱۲. طیب‌نیا، علی و کریم زاهدی خوزانی (۱۳۹۰). «ارائه الگوی مناسب برای اجرای مالیات بر ارزش زمین در ایران»، *پژوهشنامه مالیات*، ۱۹(۱۰).
۱۳. عرب‌مازار، عباس و علی‌اکبر باجلان (۱۳۸۷). «نرخ‌های بهینه مالیات بر کالاها و خدمات در ایران»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۸(۳۰).
۱۴. عرب‌مازار، علی‌اکبر و علی دهقانی (۱۳۸۸). «برآورد کارایی مالیات بر درآمد مشاغل و اشخاص حقوقی در استان‌های کشور»، *پژوهشنامه مالیات*، ۱۷(۷).
۱۵. کیارسی، مهرباب، رحیم دلالی اصفهانی و سیدکمیله طیبی (۱۳۸۹). «تعیین نرخ بهینه مالیات و مخارج دولتی در چارچوب الگوی سه‌بخشی رشد درون‌زا - مورد ایران»، *فصلنامه مطالعات اقتصاد بین‌الملل*، دوره ۲۱، ۳۷(۲).
۱۶. مهربانی، وحید و علی نصیری‌اقدم (۱۳۹۲). «نرخ مؤثر بهینه مالیات بر درآمد در اقتصاد ایران: کاربرد از رفاه اجتماعی رالزی»، *رفاه اجتماعی*، ۱۳(۴۹).
۱۷. موسوی جهرمی، یگانه، فرهاد خداداد کاشی و مینو زیارتی (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین درجه تمرکز بازار و نرخ مؤثر مالیات بر شرکت‌ها: مطالعه موردی صنایع لاستیک و پلاستیک ایران (۱۳۸۴-۱۳۷۴)»، *پژوهشنامه مالیات*، ۱۷(۷).
۱۸. نجارزاده، رضا، محمد رضایی‌پور و مجید آقایی (۱۳۸۷). «بررسی روند تعیین نرخ‌های بهینه مالیاتی در ایران با استفاده از رویکرد تحلیل کشش‌های تقاضا»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۸(۳۱).
۱۹. هادیان، ابراهیم و علی حسین استادزاد (۱۳۹۲). «برآورد سطح بهینه مالیات بر آلودگی در اقتصاد ایران»، *فصلنامه علمی - پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۳(۱۲).

۲۰. هژبرکیانی، کامبیز، الهام غلامی و جواد نوبخت سیاهرودکلایی (۱۳۹۱). «برآورد نرخ بهینه مالیات

بر ارزش افزوده در ایران: کاربردی از الگوی دایموند-میرلس»، *تحقیقات اقتصادی*، ۴۷(۲).

21. Agapova, A. and Volkov, N. (2021). "Asymmetric Tax-induced Trading: The Effect of Capital Gains Tax Changes", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 79(C).
22. Agarwal, S., K. Li, Y. Qin, J. Wu and J. Yan (2020). "Tax Evasion, Capital Gains Taxes and the Housing Market", *Journal of Public Economics*, 188.
23. Asano, S., A. Luiza, N. H. Barbosa and P. S. Fiuza (2003). "Optimal Commodity Taxes for Brazil Based on AIDS", *Revista Brasileira de Economia*, 58.
24. Chen, Duanjie and Jack Mintz (2010). "U.S Effective Corporate Tax Rate on New Investments: Highest in the OECD", *Tax and Budget Bulletin, CATO Institute*, No. 62.
25. Edwards, A. and M. Todtenhaupt (2020). "Capital Gains Taxation and Funding for Start-ups", *Journal of Financial Economics*, 138(2).
26. Guo, S. and W. K. Ching (2021). "High-order Markov-switching Portfolio Selection with Capital Gain Tax", *Expert Systems with Applications*, 165.
27. Guo, S., W. K. Ching, W. K. Li, T. K. Siu and Z. Zhang (2020). "Fuzzy Hidden Markov-switching Portfolio Selection with Capital Gain Tax", *Expert Systems with Applications*, 149.
28. Hansen, B.E. (1999). "Threshold Effects in Non-dynamic Panels: *Estimation, Testing and Inference*", *Journal of Econometrics*, 93(2).
29. --- (2000). "Sample Splitting and Threshold Estimation", *Econometrica*, 68(3).
30. Heady, C. J. and P. K. Mitra (1980). "The Computation of Optimum Linear Taxation", *Review of Economic Studies*, 37.
31. Klein, P. (1999). "The Capital Gain Lock-in Effect and Equilibrium Returns", *Journal of Public Economics*, 71.
32. Li, O. Z., Y. Lin and J. R. Robinson (2016). "The Effect of Capital Gains Taxes on the Initial Pricing and Underpricing of IPOs", *Journal of Accounting and Economics*, 61(2-3).
33. Norregaard, John (2013). "Taxing Immovable Property Revenue Potential and Implementation Challenges", *IMF Working Paper*, No. WP/129/13.
34. Valadkhani, Abbas, Amin Reza Kamalian and Mosayeb Pahlavani (2008). "Analyzing the Asymmetric Effects of Inflation on Real Investment: the Case of Iran", *University of Wollongong, Economics Working Paper Series*.